

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آر. آرون کومار
فرستنده: عثمان حیدری
۲۸ می ۲۰۲۰

خروشچف دروغ گفت؟



گرچه اخیراً اشاراتی از جانب پژوهشگران در رد ادعاهای خروشچف شده است، اما هرگز پیش از این کتاب، ادعای رد مستقیم کل سخنرانی وجود نداشته است. خط اصلی حمله خروشچف در سخنرانی‌اش کیش شخصیت ستالین، نقش او در نادیده گرفتن عملکرد جمعی و نقش او در اعدام‌های گسترده بود، که به طریقی با هم پیوند دارند. فور در این کتاب، ادعا می‌کند که عمده‌تأ از مطالب منابع اولیه برگرفته از بایگانی محرمانه دوره شوروی و تعداد کمی منابع ثانویه، برای رد همه اتهامات وارد شده توسط خروشچف استفاده کرده است.

نیویورک تایمز در گزارشی درباره سالروز تولد ستالین در ۲۱ دسمبر نوشت: «گرچه‌ها با تصاویر ژوزف ستالین دیکتاتور فقید شوروی در زندگاه او گوری رژه رفتند و با جشنی بحث‌انگیز روز تولد او را گرامی داشتند.» ستالین از شخصیت‌هایی است که همیشه با صفت‌هایی گزارش شد/می‌شود و با حرارت مساوی توسط کسانی که او را می‌ستایند یا از او نفرت دارند، مورد بحث قرار می‌گیرد. به رغم همه تبلیغات علیه او، و انتقادات شدید از او به عنوان یک دیکتاتور بیرحم، او هنوز تحسین‌کنندگان کافی در سرتاسر جهان دارد. همانطور که روزنامه هندو مؤرخ ۶ مارچ ۲۰۱۳ گزارش می‌دهد: «یک نظرسنجی که توسط مرکز مستقل لوادا در آستانه سالگرد تولد ستالین صورت گرفت نشان داد که ۴۹ درصد روس‌ها هنوز نقش ستالین را در تاریخ خود مثبت می‌بینند، گرچه آن‌ها از میلیون‌ها نفری که در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار ستالین جان باختند مطلع هستند. تنها ۳۲ درصد گفتند نقش ستالین منفی بود. محبوبیت ستالین

در واقع در روسیه دموکراتیک رشد کرده است. تعداد مردمی که ستالین را برجسته‌ترین چهره تاریخی نامیدند از ۱۲ درصد کمی پیش از سقوط اتحاد شوروی به ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۸ جهش داشت.»

سلاح اصلی در دست کسانی که از ستالین دیو می‌سازند سخنرانی سری نیکیتای خروشچف در پایان بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۶ است. سخنرانی تأثیر عظیمی بر شنوندگان و همچنین بر کل جنبش جهانی کمونیستی داشت. گرچه احزاب کمونیست بسیاری امروز کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را با گرایش‌های رویزیونیستی مشخص می‌کنند، همه آن‌ها با آن سخنرانی سری توسط خروشچف مخالف نیستند. تأثیر سخنرانی چنان بود که در لیست متنفذترین سخنرانی‌های ایراد شده در قرن بیستم در رده ششم قرار گرفت.

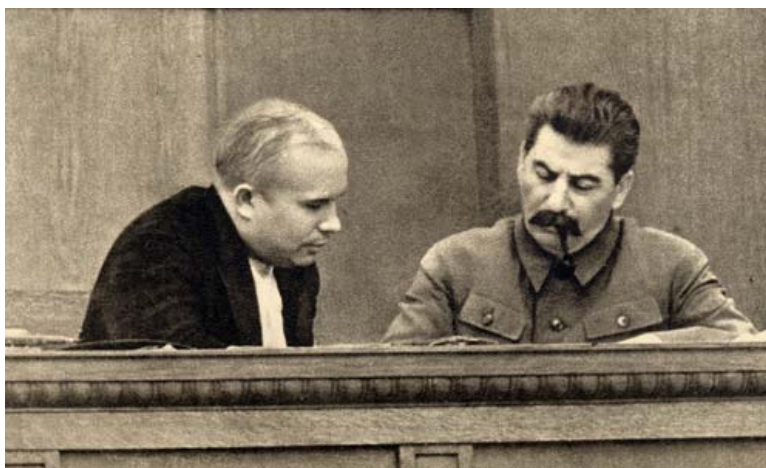
«سخنرانی سری» خروشچف چهار ساعت طول کشید. متن کامل سخنرانی، که از ۲۶,۰۰۰ کلمه تشکیل می‌شد، تا سال ۱۹۸۹ در اتحاد شوروی منتشر نشد. بی‌بی‌سی در گزارش خود درباره سخنرانی می‌گوید: «در یک سخنرانی احساسی در کنگره بیستم حزب کمونیست، آقای خروشچف تصویر زنده‌ای از رژیم «سوءظن، ترس، و ترور» که تحت دیکتاتور سابق که سه سال پیش از آن درگذشته بود ترسیم کرد. او گفت می‌خواهد «کیش شخصیت» را که به مدت ۳۰ سال شهروندان شوروی را برده خود کرده بود متلاشی کند.»

گاردین درباره تأثیر سخنرانی نوشت: «بسیاری از کسانی که حضور داشتند «سکوت مرگباری» را که در سرتاسر تالار حاکم شد به یاد می‌آورند. غروب ۲۵ فبروری ۱۹۵۶ بود. بدون آن‌که انتظار داشته باشند، نمایندگان در کنگره بیستم حزب کمونیست به یک جلسه نهایی، در بسته در مقر کمیته مرکزی در مسکو فراخوانده شدند. موقعی که نیکیتای خروشچف رهبر شوروی تریبون را در اختیار گرفت و شروع به صحبت کرد، بعضی از شنوندگان بیهوش شدند و دیگران از فرط استیصال دندان‌های خود را بر هم می‌فشرده. اکثراً به گوش‌های خود اعتماد نداشتند... اما، بحثی صورت نگرفت و نمایندگان شوک‌زده به خانه رفتند. بسیاری دچار افسردگی شدند؛ دو نماینده در عرض چند هفته خودکشی کردند». سخنرانی چنان تأثیری داشت زیرا، موضوع آن، همانطور که جهان مطلع شد، ستالین بود.

امسال، در هند کتاب «خروشچف دروغ گفت» نوشته گورو فور توسط آکار منتشر شده است که ادعاهای مطرح شده توسط خروشچف در سخنرانی سری را کاملاً رد می‌کند (این کتاب برای نخستین بار در سال ۲۰۱۱ توسط انتشارات و رسانه اریتروس منتشر شد)*. کتاب، همانطور که نام آن بروشنی اعلام می‌کند، درباره بررسی صحت فاکت‌ها در سخنرانی خروشچف است. مؤلف ۶۱ «افشاگری» را در سخنرانی مشخص می‌کند و می‌گوید که «بسیار خوشحال‌تر می‌بود» حتا اگر ۲۵ درصد این افشاگری‌ها دروغ می‌بود، زیرا در آن‌صورت دنیا کار او را به عنوان یک پژوهش حقیقی می‌پذیرفت. فور می‌گوید، خود او از یافته‌هایش متعجب است، زیرا دریافت که «حتا یک جمله مشخص از افشاگری‌های خروشچف درباره ستالین صحت ندارد.» فور از این‌که دنیا که کاملاً در پارادایم ضدستالینی غرق است یافته‌های او را درباره سخنرانی نپذیرد- ابراز نگرانی می‌کند. «اثبات نادرست بودن کل سخنرانی خروشچف، در عین‌حال، به نبرد فراخواندن کل پارادایم تاریخی شوروی دوره ستالین است، پارادایمی که این سخنرانی برای آن اساسی است.»

گرچه اخیراً اشاراتی از جانب پژوهش‌گران در رد ادعاهای خروشچف شده است، اما هرگز پیش از این کتاب، ادعای رد مستقیم کل سخنرانی وجود نداشته است. خط اصلی حمله خروشچف در سخنرانی‌اش کیش شخصیت ستالین، نقش او در نادیده گرفتن عملکرد جمعی و نقش او در اعدام‌های گسترده بود، که به طریقی با هم پیوند دارند. فور در این کتاب، ادعا می‌کند که عمدتاً از مطالب منابع اولیه برگرفته از بایگانی محرمانه دوره شوروی و تعداد کمی منابع ثانویه، برای رد همه اتهامات وارد شده توسط خروشچف استفاده کرده است.

فور کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کند: بخش نخست به «افشاگری‌های» خروشچف و شواهد مستند برگرفته از بایگانی [اسناد محرمانه اتحاد شوروی] که نادرست بودن آن‌ها را اثبات می‌نمایند می‌پردازد؛ بخش دوم از «بحث درباره برخی استنتاجات ناشی از این پژوهش» تشکیل می‌شود. وی تحقیق قانع کننده‌ای را در برابر خواننده قرار می‌دهد، بندهائی را از گزارش‌های کمپسیون اعاده حیثیت که توسط خروشچف تشکیل شده بود استخراج می‌کند تا نشان دهد چگونه حتا یافته‌های خود آن‌ها در تناقض با برخی از ادعاهای مطرح شده توسط خروشچف قرار دارد. فور می‌خواهد تلاش او نه به مثابه تلاشی برای نابودکردن کل بنای پارادایم ضدستالینی، بلکه «حداقل به مثابه برداشتن یکی از ستون‌های اصلی که کل این پارادایم بر آن قرار دارد» در نظر گرفته شود. به گفته مؤلف، «کاری که خروشچف واقعاً کرد این بود که آنرا (کیش ستالین را) به شکل معکوسی تقویت نمود. او سعی کرد ستالین «تماماً دانا، تماماً خوب» کیش را یا ستالین دیگری که به همان اندازه تماماً قدرتمند اما نابکار بود» جایگزین کند.



خروشچف و ستالین

فور به نحو متقاعد کننده‌ای سعی دارد اثبات کند که خروشچف دروغ می‌گوید، اشاره می‌کند که دلیل آن حفاظت کردن از درگیری خود او در تلاش‌های کودتای راست-تروتسکیستی آن دوره است. او با دلایل کافی نشان می‌دهد که خود خروشچف در میان دبیران اول مناطق گوناگون قرار داشت که مردم را به زندان و مرگ می‌فرستادند. او در اینجا مدرک جالبی را ارائه می‌کند: تلگرامی از خروشچف را که اجازه می‌خواهد مردم بیش‌تری را به مرگ و زندان بفرستد. مؤلف، همچنین مدارک را بیرون می‌آورد و نشان می‌دهد چگونه ستالین و رهبران کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درباره سرکوب نگران بودند و می‌خواستند به آن خاتمه دهند. همین‌طور روایات بسیاری به ترتیب زمانی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه ستالین مخالف ارتقای کیش شخصیت بود و او چقدر به گوش دادن به نظرات دیگران اهمیت می‌داد و حتا آماده بود استنتاجات اولیه خود را تغییر دهد.

خروشچف در سخنرانی خود جسورانه ادعا می‌کند که طی جنگ جهانی دوم «ستالین عملیات را بر روی یک کره جغرافیائی طراحی می‌کرد» و نقش ستالین را تحقیر می‌کند. این کتاب، با نقل قول از منابع گوناگون از جمله از جنرال‌های برجسته‌ای مانند ژوکوف و دیگران که دانش ستالین از جبهه‌های جنگ و جزئیات ویژگی‌های جغرافیائی که جنگ در آن‌ها جریان داشت را تصدیق کرده‌اند، این ادعا را تماماً رد می‌کند. خروشچف به طور شیطنان‌آمیزی سعی کرد حتا ستالین را از اعتبار پیروزی شوروی محروم کند.



خواندن کتاب مطمئناً یک پرسش آشکار را در مقابل خواننده قرار می‌دهد، که تصادفاً مؤلف نیز آن را پیش‌بینی می‌کند. اگر روایت خروشچف از واقعیت دروغ است، پس واقعاً چه گذشت، حقیقت چیست؟ این متأسفانه، بخشی از کتاب نیست و مؤلف وعده آمدن چنان پژوهشی را برای ارضای عطش خواننده نمی‌دهد. **

پرسش دیگری که پاسخ کامل را انتظار می‌کشد این است که خروشچف چرا دروغ گفت؟ (گرچه کتاب اشاراتی به همدستی خروشچف با دیگر توطئه‌گران آن دوره دارد). یوری ژوکف، مؤرخ آکادمی علوم روسیه درباره آن دوره می‌گوید: «خروشچف سعی داشت همه تقصیرها را متوجه ستالین کند در حالی که دست‌های خود او غرق در خون بود.» پاسخ هر چه که باشد، فقط یک پژوهش همه جانبه از همه اسناد محرمانه و غیرمحرمانه شده‌ای که در بایگانی‌های گوناگون قرار دارند می‌تواند پاسخ ما را بدهد. همینطور، چنان‌که خود مؤلف می‌گوید، برای رسیدن به یک درک درست از «افشاگری‌های» خروشچف یک پژوهش علمی از کل مطالب بایگانی شده ضروری است.

یک چیز مطمئن دستاورد این کتاب است. کتاب به بحث درباره یکی از پرحرارت‌ترین موضوعات بحث شده در تاریخ افزوده است و همچنین جبهه دیگری را در دفاع از ستالین گشوده است. حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شناخت خود از نقش ستالین می‌گوید: «کمیته مرکزی حزب کمونیست هند درحالی‌که به ویژگی‌های منفی و کمبودهای خطیری که در شیوه رهبری ستالین رشد کرد اذعان دارد براین نظر است که ارزیابی یک‌جانبه از نقش او در بیست سال آخر عمر او، سال‌های تحولات عظیم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، موجب سردرگمی در میان توده‌ها می‌شود و می‌تواند از جانب دشمنان کمونیست‌ها برای سردرگم کردن آن‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرد. کمیته مرکزی نتیجتاً بر این نظر است که یک ارزیابی عینی از زندگی و کار رفیق ستالین در کلیت آن، برای نبرد پیروزمند با کیش فردی و برای مقابله مؤثر با سردرگمی غالب ضروری است.» این از قطع‌نامه‌ای است که در سال ۱۹۵۶ به تصویب حزب واحد آن‌زمان رسید، و حزب کمونیست هند (مارکسیست) یکبار دیگر آن‌را در سال ۱۹۸۶ تأیید کرد.

این کتاب مطمئناً اثری است که باید برای آن ارزیابی عینی از آن دوره مطالعه شود. برای بسیاری مانند نیکولای بایباکف، ۹۴ ساله، که در آن‌زمان سرپرست گوس‌پلان (اژانس برنامه‌ریزی مرکزی شوروی) بود، «در مقایسه با ستالین، خروشچف صفر بود.» یا همانطور که **هیرن مخرجی** توصیف کرد «عاج دارای نقص اما هنوز عاج».

تصادفاً، مؤلف همچنین به خود زحمت داده و اکثر منابع استفاده شده برای پژوهش خود را جهت مراجعه همه آدم‌های شکاک در وبسایت خود قرار داده است.

http://pd.cpim.org/2014/1229_pd/12292013_book.html

توضیح «عدالت»:

* «خروشچف دروغ گفت: مدرک این‌که تمام «افشاگری جنایات» ستالین (و بریا) به وسیله نیکیتا خروشچف در بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی در ۲۵ فبروری ۱۹۵۶ به طرز قابل اثباتی دروغ است» نوشته گرور فور، کترینگ، اوهایو، انتشارات و رسانه اریتروس، ۲۰۱۱، قیمت ۲۵ دالر، در ۴۲۵ صفحه.

Khrushchev Lied: The Evidence That Every «Revelation» of Stalin's (and Beria's) «Crimes» in Nikita Khrushchev's Infamous «Secret Speech» to the 20th Congress of the Communist Party of the Soviet Union on February 25, 1956 is Provably False by Grover Furr. Kettering, Ohio: Erythros Press and Media, 2011. \$25.00. Pp. 425

** روجر کیران، یکی از نویسندگان کتاب «خیانت به سوسیالیسم» در نوشتار «خروشچف دروغ گفت اما حقیقت چیست؟» به این پرسش پاسخ داده است.

<http://mltoday.com/khrushchev-lied-but-what-is-the-truth>

منبع: دموکراسی مردم

تارنگاشت عدالت

خروشچف دروغ گفت؟